

### تبیین رابطه دین در عالم سیاست

نویسندگان: حسن عبده، یوسف مقدسی

#### چکیده

یکی از نکات مهم در حوزه مباحث سیاسی و اجتماعی، بررسی رابطه بین «دین» و «سیاست» است و در این باره، نظرات گوناگونی از تبیین تا تلازم مطرح شده است. نوع تعریف از دین و تحدید و توسعه دامنه دخالت آن در اجتماع، در بررسی این مهم نقش اساسی دارد. در نگاه قرآن و سنت، میان دین اسلام و برپایی حکومت، تلازم وجود دارد. هدف از این تحقیق تبیین سیاست در عالم دین است. این تحقیق بروش مروری بوده و از کتب، مقالات و پایان نامه های معتبر بهره گرفته ایم. در نتیجه ی این پژوهش دو دیدگاه وجود دارند. الف: دیدگاهی که می گویند سیاست زیرمجموعه دین است. و سیاست باید در چهار چوب دین حرکت نمایند. ب: دیدگاه دیگر این است که دین از سیاست جداست. دین را از امور فردی و سیاست را از امور اجتماعی می داند.

واژگان کلیدی: سیاست، دین، تبیین روابط.

#### مقدمه

وقتی سخن از دین به میان آید نباید آن را در بعد خاص، مانند عقاید، اخلاق، منحصر کرد. برخی دین را صرفا در بخش عقاید و یا در جنبه عملی یا اخلاقی و برخی دیگر آن را در جنبه فردی یا اجتماعی صرف، خلاصه می کنند. علامه با این نگاه سطحی و محدود به شدت مخالفت ورزید در موارد متعدد به این نکته اشاره می کند که دین شامل سه بخش، عقاید و اخلاق و عمل می باشد. هیچ کدام از این سه بعد به تنهای در دینداری کافی نبوده و انسان را دین دار نخواهد کرد. دین، عقاید و یک سلسله دستورهای عملی و اخلاقی است که انبیاء از طرف خداوند برای راهنمای و هدایت بشر آورده اند. اعتقاد و عمل به آن دستورات، سبب سعادت انسان در دو جهان است. لازمه ی دینداری، دارا بودن عقاید دینی، همچون پلیس مخفی در دل و التزام عملی به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی و در کلیه امور به یاد خدا و در پناه او بودن است. دین به ما دستور می دهد که اعمال شایسته انجام دهید و عبادات را به جا آورید. اسلام در تشریح تنها کمالات مادی را در نظر نگرفته است. بلکه حقیقت وجود بشر را نیز منظور داشته و اصولا اساس شرایع خود را بر کمال و رشد روحی و جسمی، هر دو با هم قرار داده و سعادت مادی و معنوی هر دو را خواسته است. لازمه ی این معنی آن است که وضع انسان اجتماعی متکامل، به تکامل دینی، معیار قرار گیرد. نه انسان اجتماعی متکامل به صنعت و سیاست. همین جا است که امر بر دانشمندان مشتبه شده، از بس که در مباحث اجتماعی مادی غور و تعمق کرده اند. (دیده اند که ماده همواره در تحول و تکامل است. اجتماع مادی هم مانند ماده تحول می پذیرد.) پنداشته اند که اجتماع مورد نظر دین هم همان اجتماعی است که مورد نظر آنها است. لاجرم

گفته‌اند، باید قوانین اجتماعی با تحول اجتماع متحول شود. هر چندی یکبار نسخ گردد. قوانین دیگر جاگزین قوانین قبلی شود. در حالی که دین اساس شرایع خود را جسم تنها قرار نداده بلکه روح و جسم هر دو را منظور داشته است. بنابراین اگر کسی بخواهد با تمامی قوانین اسلام را اثبات کند، باید بگردد یک فرد یا یک اجتماع دینی پیدا کند، که جامع تمامی تربیتهای دینی و زندگی مادی باشد. یعنی آن زندگی مادی و معنوی را که دین دعوت بدان می‌کند، یافته باشد. آن وقت از او بپرسند، آیا دیگر چیزی نقص داری که محتاج به تکامل باشد یا جهتی از جهات انسانیت تو و حیات تو دچار سستی هست که محتاج تقویت باشد؟ یا نه؟ اگر چنین فرد و چنین اجتماعی را پیدا کردیم، آن وقت حق داریم بگوئیم، دین اسلام دیگر برای بشر امروز کافی نیست. (المیزان، ج ۴، ص ۲۱۳).

### ضرورت بحث از تعریف دین

ضرورت بحث از تعریف دین، روشن می‌شود. جستار در هر زمینه‌ی معرفتی منطقا، مرهون رعایت ترتیب منطقی مطالب است. لذا قبل از پرداختن به خواص، آثار و احکام هر امری و حتی قبل از پرداختن به بحث از اثبات و نفی هر امری، باید تعریف روشن و جامعی از آن ارائه کرد. عدم ارائه تعریف روشن و مقبول، موجب بروز اختلاف فراوان در تحلیل مسائل مربوط به موضوع تعریف نشده می‌گردد.

به همین دلیل، بدون تصور واضح از امری نمی‌توان به نفی یا اثبات آن پرداخت. درباب احکام و عوارض و پیامدهای آن سخن گفت. از مباحث مهم حوزه‌های گوناگون دین پژوهی از جمله، روان شناسی دین، جامعه شناسی دین، تاریخ ادیان، فلسفه دین، قلمروی دین، انتظار بشر از دین و الهیات و کلام جدید است. به وسیله تعریف مقبول است که معلوم می‌شود، دیدگاههای متعارض، متعلق به موضوع واحدی هستند یا خیر.

بنابراین قبل از طرح بحث (قلمرو دین) و پیش از ورود به نزاعهای فراوان در دین‌پژوهی، بحث از تعریف دین ضروری است. هنگامی که از نسبت دین و آزادی، دین و ایدئولوژی، دین و هنر، دین و توسعه، انتظار بشر از دین، قلمرو دین، علم و دین، دین و حکومت، سؤال می‌شود، ابتدا باید پرسید مراد از دین چیست؟ زمانی که در باب انحصارگرایی، شمولگرایی کثرتگرایی دین، به عنوان مثال، سخن گفته شود باید دانست که تصور نظرپردازان از دین چیست؟

### موانع و مشکلات تعریف دین

دین از پدیده‌هایی است؛ که تعریف آن بسهولت میسر نیست. عده‌ای با توجه به مشکلات فراوان در وصول به تعریف روشن و متمایز از دین، دین را قابل تعریف ندانسته‌اند.

مشکل وقتی چهره می‌نماید که به این نکته تاریخی عنایت گردد؛ که با وجود تلاش فراوان دین پژوهان دو سده‌ی اخیر تاکنون تعریف جامع و مانعی که قابل قبول همه پیروان ادیان قرار گیرد و نسبت به همه ادیان شمول داشته باشد، ارائه نشده است. دبلیو اسمیت در معنی و غایت دین می‌گوید: شاید گستاخانه نباشد که بگوییم تا کنون تعریف متفق و مجاب‌کننده‌ی از دین ارائه نشده است و در تعریف دین هیچ تعمیم فراگیر عرضه نشده است (علامه محمد تقی جعفری، فلسفه دین، ص ۳۰).

### دین در روایات

قال علی(ع) اول الدین معرفته و کمال معرفته التصدیق به و کمال التصدیق به توحیده. (نهج البلاغه، خطبه ۱). ان الدین کسجرت اصلها الیقین بالله و ثمرها الموالاة فی الله (ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ص ۳۷۵). «ان افضل الدین الحب فی الله والبغض فی الله». (همان: ۳۷۵). «الاحیاء الا بالدین و لا موت الا بجهود الیقین». (همان: ۳۷۵). بسیاری از تعابیر در دین در متون اسلامی به مقصود ما از دین در بحث قلمرو دین هیچ ارتباطی ندارد. این اشارها به صفات و افعال الهی مرتبطند و پاره‌ی دیگر از تعابیر نیز به تبیین تدین و دینداری ناظرند نه بیان حقیقت دین.

بنابراین فقط دین به معنای اعتقاد با مباحث ما ارتباط می‌یابد. البته بیانگر تمام انتظارات ما از دین نیست. چرا که اعتقادات بخشی از حقیقت دین را تشکیل می‌دهد. ولی از مجموع آیات و روایات می‌توان دین را به مجموعه از معارف، احکام، اخلاق و در یک کلام (ما جاء به النبی) تفسیر کرد.

### نظریه سیاست زیر مجموعه دین

در این دیدگاه سیاست را زیرمجموعه دین می‌داند که سیاست باید در چهار چوب دین حرکت نمایند. این دیدگاه از شیوه‌ها مختلف استفاده می‌نمایند. یکی از این شیوه، تحلیل دین پژوهی و تحلیل محتوای ادیان است که به ان اشاره می‌شود.

### تحلیلها

آیا حکومت دینی معنی دارد؟ آیا دین و سیاست با یکدیگر قابل جمع است؟ آیا با یکدیگر سازگارند؟ آیا می‌توان دین را آنقدر وسعت داد، که زندگی دنیا و آخرت یا زندگی عادی و قدسی را دربر بگیرد؟ با این توضیح که زندگی‌ها با یکدیگر مرتبط است و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد. آیا می‌توان دنیا و زندگی عادی را آن قدر گسترش داد، که عرفان، دین، هنر را دربر بگیرد؟

برای جواب به این سؤالها می‌توان به یک راه حل ساده رسید. سیاست یعنی اداره امور اجتماع، حال باید دید که دین برای اداره امور اجتماع دستوراتی دارد یا خیر؟ آیا حکومت دینی ممکن است یا خیر؟

حکومت دینی یعنی حکومت بر مردم و حکومت مقبول مردمی که خصلت دینی دارد و به امر قدسی چه وحیانی و چه غیر وحیانی روی آوردن حکومت دینی است. این جواب می‌تواند راحت‌ترین جوابها باشد که از تحلیل واقعی و تاثیر خارجی و تاریخی دین بر حکومتها چشم‌پوشد و به تمامی پذیرشهای متدینین خصلت و صبغه دینی به دهد. ولی راه دیگری هم وجود دارد؛ که آن تحلیل دین پژوهی و بررسی تاریخی است. (حکومت دینی، ص ۱۱۴، قم لیلہ القدر، ۱۳۸۱)

### رابطه ی دین و سیاست

بر خلاف کسانی که می‌گویند، دین از سیاست جداست. نه تنها جدا نمی‌باشد بلکه به فرمودهی آیه الله مدرس «دین عین سیاست، و سیاست عین دیانت است»

اسلام هیچگاه با عقل و راهبردهای عقلی مخالفت نکرده، بلکه همواره بر شأن و منزلت آن پا فشرده، چنانکه گفتیم، آن را یکی از منابع فراگیر استنباط احکام قرار داده است. اکنون اگر بگوئیم خداوند در قالب شریعتی که بر پیامبرانش نازل کرده به راهنمایی و ارشاد عقل پرداخته است. هرگز از نیازمندیهای ما در به کارگیری عقل فرو نمی‌کاهد. دخالت دادن دین، چون اسلام در امور اجتماعی، سیاسی به معنی اتکای به متن دین در همه مسائل اجتماعی و سیاسی، و تعطیل ساختن عقل نیست. چنین امری نه درست است و نه ممکن. هیچگاه نباید اسلام را راه حل سطحی همه مسائل و مشکلات زندگی دانست. بلکه باید آن را جهت دهنده و اشاره کننده نسبت به این مسائل تلقی کرد. از این رو اساسا درک شریعت الهی و چگونگی اجرای آن مستلزم بکارگیری عقل است. (محمد لکن هاووزن، پیشین، ص ۹۶).

اما عقلی که در اسلام ممدوح است، نه آن قوهی ابزاری که هیوم و پیروانش در فلسفه غرب، از آن بحث می‌کنند. بلکه قوهی است که با نور الهی روشن و هدایت شده است و با همان سرشت الهی به ارزیابی سنتها و شیوه‌های گوناگون پرداخته، یکی از آنها را برمی‌گزیند. (جعفری، ۱۳۸۰).

### ظواهر، دین را از صحنه ی اجتماع به کنار نهاد؟

به راستی در صورت جدائی دین از سیاست و امور اجتماعی، چگونه می‌توان آیات و روایات فراوانی چون آیات دال بر جهاد، سیاستهای جنگی، امور اقتصادی و اخلاقی و ... را توجیه و تأویل کرد؟ وانگهی احکام اسلام متعلق به انسان و جهان مادی است، و روشن است که اجرای آنها گاه موجب تزاخم است. از این رو ولایت و حکومت ولی امری ضروری است که تا به هنگام تزاخم به تشخیص اهم و مهم پرداخته، حکم لازم را بیان کند. جوادی آملی، شریعت در آئینه معرفت، ص ۲۲۶، علی رضا



قائمی نیا، وحی و افعال گفتاری، نکته آخر اینکه اساسا نیاز به دین، مستلزم طرد سکولاریسم و دخالت دین در همه مسائل زندگی، اعم از فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی است. زیرا بر این اساس از سوی انسان برای رسیدن به سعادت واقعی به آگاهی از قوانین و طرحهای کلی نیازمند است. از سوی دیگر منابع شناخت بشری، دچار نارسائیهایی چون محدودیت خطاپذیری و تأثیرپذیری است. از این رو باید منبعی نامحدود خطاناپذیر و تأثیرناپذیر و تضمین شده به نام دین یا وحی باشد که وی را رهنمون سازد. (رجبی و دیگران، ۱۳۶۱: ۶۹).

حال اگر این رهنمونی و راهبردی را در امور فردی و عبادی خلاصه کرده، و اداره مسائل و امور اجتماعی انسان را به خود وی واگذاریم، غرض مذکور به دست نخواهد آمد. از این رو اساسا دین بدون سیاست ناقص و در راهبری انسان ناتوان خواهد بود. به لحاظ همین واقعیت است که اسلام کاملترین و مطلوبترین نظام حقوقی را دارا است به حکم عقل چنین دینی نمیتواند وجود حکومت را ضروری نماند. (ر.ک: مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، ص ۱۹۲).

### نتیجه

با توجه به مباحث مذکور در رابطه ای دین و سیاست، و دیدگاه ههای مطرح شده که یکی سیاست را زیر مجموع دین میداند و دیگری قائل به جدای رابطه ای دین است، و پس از بیان ادله و استدلال طرفین، نویسند نیز قائل به این است که سیاست زیر مجموعه ای دین است. چون علاوه با ادله مذکور که در فصل اول بیان شده؛ و تعریف دین که (مجموعه ای قوانین از احکام و اخلاق و عقائد است) پس سیاست که (اداره امور اجتماع است) یک جزء از اجزاء است که دین دارای چند جزء است. پس سیاست جدای از دین نیست. بلکه زیر مجموعه دین است زیرا سیاست منهای دین نمیتواند جامعه را به سر منزل مقصود راهنمایی کند. تنها دین است که سبب هدایت جامعه میشود؛ چون از نزد خالق تمام موجودات آمده است. ان خالق همه مخلوقات را افریده است و به همه نیازها و حوائج ان آگاهی کامل دارند. به همین جهت او بهترین و کاملترین قانون را وضع می نمایند تا حوائج مخلوقات بر آورده شوند.

### منابع

۱. قرآن کریم. نهج البلاغه.
۲. اخوان کاظمی، بهرام، عدالت در نظام سیاسی اسلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، بی تا. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ قرآن، چاپ السیامه بیروت، بی تا.
۳. امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۱۰، تهران، ۱۳۷۲ ه. ش.
۴. پیتراستون، دین و چشم اندازهای نو، ترجمه غلام حسین توکلی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶. التهاوندی، محمدعلی، موسوعه کشف الفنون و العلوم، جلد ۲ و ۱، چاپ اول، بیروت ناشران مکتبه لبنان، ۱۹۹۶ م.
۵. جان هیک، فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، ۱۳۸۱ ه. ش.

۶. جعفری، محمدتقی، فلسفه دین، پژوهشگاه اندیشه اسلامی، چاپ ۲، بی‌جا، بی‌تا. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۷. \_\_\_\_\_ دین شناسی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۸. \_\_\_\_\_ شریعت در آئینه معرفت، مرکز فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۹. \_\_\_\_\_ کلام جدید، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ هـ.ش.
۱۰. \_\_\_\_\_ نسبت دین و دنیا، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۱۱. حائری، صفائی، علی از معرفت دینی تا حکومت دینی، قم، لیلہ القدر، ۱۳۸۲ هـ.ش. خسروپناه، عبدالحسین، کلام جدید، چاپ اول، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی
۱۲. حوزه علمیه، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ هـ.ش. ربانی گلپایگانی، علی، کلیات دین پژوهی، بی‌جا، بی‌تا.
۱۳. رشاد، علی اکبر، دانش نامه امام علی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۱۴. سبحانی، جعفر، الهیات، جلد ۳، مؤسسه امام صادق، قم، ۱۴۲۳ هـ.ق.
۱۵. شیرازی، سید محمد، سیاست از دیدگاه اسلام، چاپ اول، کانون نشر اندیشه‌های اسلامی، رابطه‌ای دین و سیاست ۵۱ بی‌جا، بی‌تا.
۱۶. طباطبائی، محمد حسین، اسلام و اجتماع، جهان آراء، قم، بی‌تا.
۱۷. \_\_\_\_\_ المیزان، ج ۱ تا ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۷ تا ۱۹، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۸۲.
۱۸. \_\_\_\_\_ خلاصه تعالیم اسلام کعبه، قم، ۱۳۶۲ هـ.ش.
۱۹. \_\_\_\_\_ روابط اجتماعی در اسلام، انتشارات بعثت، قم، ۱۳۶۵ هـ.ش.
۲۰. \_\_\_\_\_ سنن نبی، انتشارات صلوات، چاپ سوم، تهران، سال ۱۳۸۳ هـ.ش.
۲۱. \_\_\_\_\_ شیعه در اسلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بی‌تا.
۲۲. \_\_\_\_\_ معنویت تشیع، انتشارات حکمت، چاپ اول، قم، ۱۳۷۰ هـ.ش.
۲۳. قائمی‌نیا، علیرضا، تجربه دینی و گوهر دین، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۲۴. قدردان قراملکی، محمد حسین، سکولاریسم در مسیحیت و اسلام، قم، ۱۳۸۰ هـ.ش. لکن هاوزن، نقش شریعت در زندگی، ترجمه منصور نصیری، بی‌جا، بی‌تا.
۲۵. مجتهد شبستری، محمد، هرمنوتیک کتاب و سنت، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹ هـ.ش. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، جلد ۲، کتاب علم، چاپ بیروت، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۲۶. مریجی، شمس‌الله، سکولاریسم و عوامل شکل‌گیری آن در ایران، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، حقوق و سیاست در قرآن، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹.
۲۸. \_\_\_\_\_ نظریه سیاسی در اسلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۲۹. مطهری، مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۳ هـ.ش.
۳۰. \_\_\_\_\_ فلسفه تاریخ، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۶۹ هـ.ش.
۳۱. \_\_\_\_\_ مجموعه آثار، ج ۲، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۳ هـ.ش.

۱۴۰۱/۰۷/۲۹ ۱۴۰۱/۱۲/۱۹

تعمیر شد

# سومین همایش ملی فقه، حقوق و علوم اسلامی

3<sup>RD</sup> NATIONAL CONFERENCE ON JURISPRUDENCE, LAW AND ISLAMIC SCIENCES

۳۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، جلد ۶، چاپ اول، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، بیروت، ۱۳۸۱ هـ.ش.